درباره ی امر بزرگی پرسیدی؛ هرچند برای کسی که الله متعال بر او آسان بگرداند، آسان است

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که فرمود: در سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم و روزی در حال سیر بودیم و به وی نزدیک شدم، عرض کردم: ای رسول الله! مرا از عملی خبر بده که وارد بهشتم سازد و از آتش دوزخ دورم کند. فرمودند: «درباره ی امر بزرگی پرسیدی؛ هرچند برای کسی که الله متعال بر او آسان بگرداند، آسان است: اینکه الله را عبادت کنی و هیچ چیز و هیچکس را شریکش نگردانی و نماز بخوانی، زکات بدهی، ماه رمضان را روزه بگیری و حج بیت الله را بجا بیاوری»؛ سپس فرمودند: «آیا تو را به سوی دروازه های خیر و نیکی رهنمایی نکنم؟ روزه سپری (در برابر آتش دوزخ) می باشد، و صدقه آتش گناهان را خاموش می کند، چنانکه آب آتش را فرو می نشاند. و نماز خواندن شخص در دل شب (نیز جزو دروازه های خیر و نیکی است)»، سپس این آیات را تلاوت کردند: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: «[در دل شب] از بسترها برمی خیزند و پروردگارشان را با بیم و امید [به نیایش] می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. هیچکس نمی داند به [پاس] آنچه [این مؤمنان در دنیا] انجام می دهند، چه [بسیار مایه ی] روشنی چشم ها برای شان نهفته است»، سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس دین و ستون و بالاترین بخش آن آگاه نکنم؟» عرض کردم: بله، ای رسول الله! فرمودند: «اساس دین، اسلام (= شهادتین) است و ستونش نماز؛ و عالی ترین بخشِ آن جهاد می باشد». سپس افزودند: «آیا تو را از پایه و زیرساختِ همه ی این امور آگاه نسازم؟» گفتم: بله، ای رسول الله! رسول الله صلی الله علیه وسلم زبان خویش را گرفته و فرمودند: «مواظبِ این باش»، پرسیدم: ای رسول الله، مگر ما به خاطر سخنانی که می گوییم، بازخواست می شویم؟ فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند ای معاذ! مگر مردم را چیزی جز سخنان شان به چهره های شان در دوزخ واژگون می کند؟».

[صحیح از همه طرق آن] [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

معاذ رضی الله عنه فرمود: در سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم، و روزی در حال سیر بودیم به وی صلی الله علیه وسلم نزدیک شدم، و گفتم: ای رسول الله برای من چیزی را بگو که مرا وارد بهشت کند و از جهنم دور کند. فرمودند: از من درباره کاری پرسیدی که بالای نفس ها بزرگی می کند، و برای کسانی آسان است که الله متعال آن را برای شان ساده و آسان نموده باشد؛ فرایض اسلام را انجام ده: نخست: تنها عبادت الله را انجام ده و برای او شریک نیاور. دوم: در شبانه روز نمازهای فرض پنجگانه را: صبح، ظهر، عصر، مغرب، خفتن، با تمام شرط ها، ارکان و واجبات آن برپا دار. سوم: زکات واجب را بده، و آن عبادت واجب مالی است بر هر مال که در شرع به مقدار معینی برسد، و به مستحقان آن داده می شود. چهارم: روزه ماه رمضان را بگیر، و آن پرهیز کردن از خوردن و آشامیدن و غیره اموری شکننده ها به نیت عبادت است، از طلوع فجر تا غروب آفتاب. پنجم: حج بیت الله به قصد رفتن به مکه جهت ادای مناسک، برای عبادت الله متعال را انجام بده. سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا تو را به راهی که به درهای خیر می رساند معرفی نکنم؟ و این امر با دنبال ادا فرایض مذکور ادا نوافل است: اول: روز نفلی، و این یک مانع واقع شدن در معصیت ها می شود از طرق کسر شهوت و تضعیف قوت صورت می گیرد. دوم: صدق نفلی گناه را بعد از انجام آن خاموش می کند، و آن را برطرف می کند و اثر آن را از بین می برد. سوم: نماز تهجد در ثلث آخر شب، سپس وی صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت نمودند: {تتجافى جنوبهم} یعنی: دور می شوند {عن المضاجع} یعنی: از بسترها {يدعون ربهم} با نماز و ذکر و تلاوت و دعاء {خوفا وطمعا ومما رزقناهم ينفقون، فلا تعلم نفس ما أخفي لهم من قرة أعين} یعنی در روز قامت مایه ی روشنی چشم های شان، و در بهشت به نعمت ها، {جزاء بما كانوا يعملون}به پاس آنچه انجام می دادند. سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا تو را از اصل دین و ستون آن که به آن تکیه داده شده است، و به بالاترین بخش آن آگاه نکنم؟

معاذ رضی الله عنه فرمود: بلی ای رسول الله. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اساس دین، اسلام با شهادتین است، و با آن دو انسان صاحب اصل دین می شود. و ستونش: نماز است؛ پس اسلام بدون نماز وجود ندارد، همان گونه که خانه بدون ستون ممکن نیست، پس هر که نماز بخواند دینش محکم و منزلتش بالا می رود؛ و عالی ترین بخشِ آن جهاد می باشد، و سعی نمودن در مبارزه و جنگ با دشمنان دین جهت اعلای کلمه الله متعال. سپس افزودند: «آیا تو را از پایه و زیرساختِ همه امور که گذشت آگاه نسازم؟» سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم زبان خویش را گرفته و فرمودند: این را منع کن و در مورد چیزی که به تو مربوط نیست حرف نزن. معاذ رضی الله عنه فرمود: مگر ما به خاطر سخنانی که می گوییم، بازخواست و مجازات می شویم؟ وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! منظور از دعای بد بر او نیست، بلکه از اصطلاحات عرب ها هست جهت تنبیه به چیزی که باید به آن توجه نمود و آن را بداند، سپس فرمودند: آیا مردم را با چهره در دوزخ واژگون می کند، جز سخنان شان از قبیل کفر گویی و تهمت و دشنام و غیبت و سخن چینی و تهمت و مانند آن؟

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/4303